

علاوه بر این، شخصیت‌های دیگر نظام از جمله غلامعلی حداد عادل، محمدباقر قالیباف، محمدجواد لاریجانی، علی‌اکبر ولایتی و علی مطهری با حضور ملی شد. ■



توزیع درآمد در ایران

یکی تو، دو تا من!

اجرای طرح‌هایی که ظاهراً منجر به کاهش اختلاف طبقاتی و توزیع ثروت در میان مردم می‌شود، با روند کنونی چیزی جز افزایش فقر در جامعه را رقم نخواهد زد.



فصله‌های طبقاتی و در نهایت، وضعیت نامطلوب توزیع درآمد در کشور خواهد بود. بیکاری نیز منجر به کاهش درآمد گروه‌های پایین درآمدی که تنها منبع کسب درآمد آنان، عرضه نیروی کارشان می‌باشد خواهد شد. این موضوع در گروه‌های بالای درآمدی چندان مشهود نخواهد بود. از این رو افزایش بیکاری در بین گروه‌های کم درآمد به نابرابری در توزیع درآمد دامن می‌زند. به علاوه، جبران کاهش درآمدی حاصل از بیکاری از کانال کمک‌های دولتی نیز هزینه‌های بسیار سنگینی را بر اقتصاد تحمیل خواهد کرد که نتایج منفی آن به صورت مضاعف بر دوش طبقات کم درآمد خواهد بود.

طی سال‌های اخیر، دولت نهم در شرایطی برنامه‌هایی چون کاهش نرخ بهره بانکی، تأسیس بنگاه‌های کوچک زودبازده، پرداخت سهام عدالت، مالیات بر ارزش افزوده و حذف یارانه‌ها را مطرح نموده است که وضعیت اقتصاد ایران در شرایط نه چندان مناسبی قرار داشت.

برابری در توزیع درآمدها

طبق آمارها، ضریب جینی در سال‌های اخیر از روند افزایشی برخوردار بوده است. بانک جهانی نیز در

عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها در جامعه از اهدافی است که دولت‌مردان در تمامی کشورها - به ویژه کشورهای در حال توسعه - اهتمام جدی به آن دارند. از دیدگاه توسعه اقتصادی، عدالت اقتصادی تنها در سایه عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد و توزیع درآمد، یکی از مهمترین شاخصه‌های عدالت اجتماعی در هر کشور است. هرچه برابری توزیع درآمد بیشتر باشد، عدالت به صورت چشمگیرتری نمود می‌یابد. توزیع درآمد در هر اقتصاد، نحوه تقسیم درآمد ملی را بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی، در نتیجه عملکرد نظام اقتصادی آن کشور بیان می‌کند. اغلب، توزیع درآمدی را با ضریب جینی می‌سنجند؛ شاخصی که هرچه به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده عدم تساوی بیشتر و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، بیانگر توزیع بهتر درآمد است. به عبارت دیگر، ضریب جینی مبین آن است که آیا رشد اقتصادی، نهایتاً منجر به افزایش رفاه مردم شده است یا خیر.

مقایسه آمارهای ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد که ایران در زمره کشورهای با نابرابری درآمدی بالا قرار دارد. از این رو توجه به مقوله توزیع درآمد، به عنوان مسأله‌ای مهم در رشد و توسعه اقتصادی حایز اهمیت است. دو شاخص تورم و بیکاری هم از عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمدها در اقتصاد می‌باشند، به گونه‌ای که سایر عوامل اقتصادی نیز اغلب از راه این دو شاخص بر توزیع درآمد اثرگذار هستند. در زمان رشد تورم، دهک‌ها و اقشاری که قدرت مالی و اقتصادی کمتری دارند، برای گرفتن دستمزد یا پول بیشتر، از قدرت چانه‌زنی پایینی برخوردار بوده و لذا توان افزایش درآمدهای خود را ندارند. از طرف دیگر، ارزش دارایی‌های افرادی که دارای سرمایه‌های فیزیکی بوده و درآمدهای متعددی را از کانال‌های مختلف کسب می‌کنند، مدام به واسطه تورم افزایش می‌یابد. در واقع این مسأله نوعی انتقال دارایی از حقوق‌بگیران به سرمایه‌داران است. به علاوه به دنبال رانت‌هایی که در فضای تورمی ایجاد شده است، سودهای بادآورده زیادی نصیب افراد خاصی می‌شود که نتیجه این مسایل، افزایش شکاف درآمدی، ایجاد

انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران مطرح شد. ایشان ضمن اشاره به آشنایی نزدیک و شناخت وسیع خود از ۴ نامزد انتخابات، ضمن استقبال از مناظره‌های برگزار شده، دو طرف مناظره را در برخی بد اخلاقی‌ها مقصر دانستند و فرمودند: یک طرف به رئیس‌جمهور قانونی کشور، صریح‌ترین و خجالت‌آورترین اهانت‌ها و تهمت‌ها را نسبت می‌داد و با پخش کارنامه‌های جعلی برای دولت، رئیس‌جمهور متکی به آرای مردم را دروغگو، خرافاتی و رمال می‌نامید و اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا می‌گذاشت و طرف دیگر هم با اقداماتی مشابه، کارنامه درخشان ۳۰ ساله انقلاب را کمرنگ جلوه می‌داد و شخصیت‌هایی که عمرشان را در نظام صرف کرده‌اند زیر سؤال می‌برد و اتهاماتی را که در مراجع قانونی اثبات نشده است، بیان می‌کرد. در همین رابطه، عده‌ای دیگر از شخصیت‌های نظام هم به اظهار نظر پرداختند. آیت‌الله محمد یزدی، عضو شورای نگهبان، اطلاعات وزارت کشور را به مردم جامع و کامل دانست و عنوان کرد: "تعدادی از نمایندگان هر یک از کاندیداها از جمله نمایندگان آقای میرحسین موسوی به اعترافات صریح که مدارک آن در شورای نگهبان موجود است، به سالم برگزار شدن انتخابات تصریح کردند."

از سوی دیگر، رئیس مجلس با حضور در برنامه زنده سیما، راه قدردانی از مشارکت ۸۵ درصدی مردم را صیانت از آرا برشمرد. علی لاریجانی همچنین درباره برخی از شائبه‌ها گفت: "اگرچه شورای نگهبان را افراد متدبنی تشکیل می‌دهند، اما کاش برخی اعضای آن به نفع یک کاندیدای خاص وارد میدان نمی‌شدند."

آمارهای سال ۲۰۰۷ خود، رتبه ایران را از نظر نابرابری میان افراد جامعه در بین ۱۲۷ کشور جهان ۸۸ اعلام کرده است. نرخ بیکاری نیز بر اساس آمار بانک مرکزی در سال ۸۲ از ۱۱/۳ درصد به ۱۲/۱ درصد در سال ۸۵ رسیده است. هرچند نرخ بیکاری اعلام شده کشور در سال ۸۷ مطابق آمار بانک مرکزی ۱۰/۵ درصد می‌باشد، اما به اعتقاد برخی کارشناسان، این کاهش ناشی از افزایش میزان اشتغال نیست، بلکه ناشی از کاهش نیروی فعال به عرصه اشتغال می‌باشد، چراکه با کاهش بیکاری، می‌بایست آمار بیمه‌های اجتماعی و اعضای صندوق تأمین اجتماعی افزایش یابد که حداقل در این دو سال اخیر چنین اتفاقی نیفتاده است. همچنین سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین افراد جامعه، از رقم ۱۴/۶ درصد در سال ۸۳ به ۱۵/۲ درصد در سال ۸۶ رسیده است که این موضوع، نشان‌دهنده نابرابری بالای درآمد در کشور و روند فزاینده آن می‌باشد.

اقدامات و طرح‌های پیشنهادی دولت طی این سال‌ها، از دو منظر تورم و بیکاری قابل بررسی هستند. مطابق قوانین اقتصادی، استفاده از ابزارهای پولی و تغییر نرخ بهره کوتاه‌مدت، به عنوان مکانیزمی برای کاهش تورم در کوتاه‌مدت توصیه می‌شود. بر این اساس، اگر تورم از مقدار مورد نظر بیشتر باشد، باید نرخ بهره افزایش یابد و اگر پایین‌تر از حد هدف‌گذاری شده باشد، کاهش نرخ بهره برای افزایش رشد اقتصادی، سیاست درستی است. اقتصاد ایران، درست بر خلاف مسیر علمی خود در حرکت است. به عبارتی، مردم با مشاهده نرخ تورم گذشته و انتظار عقلایی که از نرخ‌های تورم آتی دارند، به طور غیرمستقیم نرخ بهره را تعدیل کرده و اثر تورم را در آن لحاظ می‌کنند.

به عبارت دیگر در بلندمدت، این تورم است که نرخ بهره را تعیین می‌کند، نه این که نرخ بهره تعیین‌کننده تورم باشد. همانطور که شواهد گویا است، کاهش دستوری نرخ بهره، نه تنها نتوانست تورم را کاهش دهد، بلکه حتی باعث کاهش منابع بانکی، کاهش تسهیلات سرمایه‌گذاری، رانت‌خواری و افزایش فعالیت‌های زیرزمینی هم شد که همه این عوامل به شرایط آشفته اقتصادی دامن زد. همچنین در مواردی که جامعه با محدودیت در عرضه و تولید مواجه بود، فشار تقاضا - ناشی از کاهش نرخ بهره - خود منجر به افزایش مضاعف نرخ تورم شد.

بنگاه‌های زودبازده، سهام عدالت و ارزش افزوده

تأسیس بنگاه‌های کوچک زودبازده، اگرچه با ایده و هدف ایجاد اشتغال و کسب درآمد برای اقشار کم‌درآمد مطرح شد، به دلیل عدم کارشناسی اقتصادی طرح‌ها، بعضاً نتایج معکوسی را به همراه داشت. اگرچه منابع مالی لازم برای چنین بنگاه‌هایی از بشکه‌های نفتی ۱۰۰

دلاری تأمین می‌شد، اما به علت ویژگی‌های بازار نفت - که ناامن‌ترین منبع مالی برای چنین طرح‌هایی می‌باشد - و با کاهش قیمت آن، دولت قادر به حمایت از چنین بنگاه‌هایی نخواهد بود. لذا پیامد کاهش قیمت نفت، چیزی جز تعطیلی این بنگاه‌ها و بیکاری عده‌ای از مردم نخواهد بود. از طرفی بر اساس تئوری‌های اقتصادی،



بنگاه‌های بزرگ از مزایای مقیاس بالای تولید بهره برده و قادر خواهند بود هزینه تمام شده خود را کاهش دهند و در عین حال که کالا را با قیمت پایین‌تری به مصرف‌کننده عرضه می‌کنند، از قدرت رقابت بالایی نیز برخوردار بوده و سود بیشتری کسب نمایند. اما بنگاه‌های کوچک با قیمت تمام شده بالاتر و قدرت رقابت کمتر به فعالیت می‌پردازند. لذا اگر رفاه جامعه را مدنظر بگیریم، مزیت بنگاه‌های بزرگ بر بنگاه‌های کوچک مشخص می‌شود، چراکه مصرف‌کننده رفاه خود را در کالای ارزان‌تر می‌بیند. علاوه بر این معایب، تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های کوچک، منابع مالی فراوانی را به خود اختصاص داده که این امر به کمبود شدید نقدینگی بنگاه‌های بزرگ و در نهایت کاهش سطح تولید و اشتغال می‌انجامد.

طرح سهام عدالت نیز که با هدف توزیع بهتر درآمد و گسترش عدالت در جامعه اجرا شد، احتیاج به بررسی‌های کارشناسی و ژرف اندیشی اقتصادی دارد. ممکن است افرادی که سهام عدالت دریافت کرده‌اند، به علت وضعیت نامناسب اقتصادی، سهام خود را بفروشند. مضاف بر این که در طول زمان و با افزایش تورم، به دلیل کاهش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد، ممکن است در نهایت این سهام در اختیار طبقات ثروتمند و حتی سودجو درآید که این امر طبیعتاً منجر به نابرابری مضاعف درآمدها خواهد شد. در شرایط کنونی، به علت تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، نقش رو به رشد دولت در ارائه خدمات عمومی و تأمین اجتماعی، گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین تلاش جهت برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه

درآمد، مسأله مالیات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با تکیه به این مطلب و با توجه به سیستم نامناسب و آشفته نظام مالیاتی ایران، بحث مالیات بر ارزش افزوده در سال گذشته مطرح شد. علیرغم نکات مثبت این روش، به علت عدم اطلاع رسانی صحیح، اجرای طرح مذکور متوقف گردید. البته در صورت اجرای مالیات بر ارزش افزوده - بدون بسترسازی مناسب - و با توجه به شرایط تورمی موجود در کشور، افزایش سطح قیمت‌ها و رشد شدید تورم در کشور دور از ذهن نخواهد بود. در چنین شرایطی، افزایش انتظارات تورمی مردم نیز موجب تشدید تورم خواهد شد، مضاف بر این که افراد کم‌درآمد، سهم بیشتری از درآمد خود را نسبت به افراد پردرآمد به مصرف اختصاص می‌دهند. از این رو میزان فشار مالیاتی بیشتری را نیز متحمل خواهند شد. بر این اساس قدرت خرید آنان کاهش می‌یابد که این مسأله منجر به نابرابری در توزیع درآمدها خواهد شد.

نیاز به بسترسازی

حذف یارانه‌ها و پرداخت نقدی آنها مسأله دیگری است که طی سال‌های اخیر با هدف اجرای عدالت اجتماعی مطرح شده است. در شرایط کنونی، حذف یارانه‌ها - آن هم به صورت یکباره - سبب افزایش قیمت‌ها و رشد تورم خواهد شد. با افزایش قیمت مواد اولیه - به ویژه حامل‌های انرژی - هزینه تولید بنگاه‌ها افزایش یافته و علاوه بر افزایش قیمت محصولات، میزان تولید نیز در کشور کاهش می‌یابد که نتیجه آن تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی و افزایش بیکاری می‌باشد.

در نهایت باید گفت: توزیع درآمد و ثروت از جمله مشکلاتی است که تمامی کشورهای در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند. این مسأله در مورد کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران قابل ملاحظه است. در این کشورها، نفت تقریباً به صورت مستقل از بخش‌های دیگر اقتصاد، درصد قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. طی چند سال اخیر، اتکا به درآمدهای نفتی در ایران با هدف اجرای عدالت اوج گرفت که این امر منجر به مصرف بی‌برنامه و بی‌رویه درآمدهای نفتی شد.

بنابراین باید توجه داشت که اگر منظور از عدالت اجتماعی توزیع بهتر ثروت است، باید اول بپذیریم که نابودی ثروت از طریق هزینه‌های بی‌هدف، منجر به توزیع فقر خواهد شد نه توزیع ثروت. لذا عدالت اجتماعی و یا هر برنامه دیگر، برای اجرای صحیح نیازمند شناخت دقیق موضوع و آماده‌سازی بستر اجرایی آن می‌باشد و گرنه جز آشفته‌گی اقتصادی و ایجاد فاصله طبقاتی پیامد دیگری در بر نخواهند داشت. ■